

سماحت



فقه محقق اردبیلی

محمد علی سلطانی

مرحوم محقق تکلیف به صبر تا تنگی وقت و وجوب غسل را منافی با روح شریعت سهل می‌داند و انجام غسل را بدون نیت وجوب و استحباب کافی می‌داند و می‌نویسد:

«وكذا القول في الغسل وغيره لَمَّا مرَّ وللحرج هنا بالتكليف بالصبر حتى يضيق الليل بمقدار فعله للمصوم ومنافاته للشرية السهلة»^۱.

۱. به عنوان نمونه ر. ک: به تعبیر نفی حرج در آیه ۷۸ سوره حج، آیه ۱۷ سوره فتح، آیه ۹۲ سوره توبه، و نفی عسر و اراده بسر و تخفیف در آیه ۲۸ سوره نساء، ۱۸۵ بقره، و نفی جناح در آیه ۱۰۲ سوره نساء، آیه ۵۸ سوره نور و غیره.

۲. به عنوان نمونه ر. ک: وسائل الشیعه، چاپ عبدالرحیم شیرازی، ابواب مقدمات عبادت، باب ۲۶؛ اصول کافی، ج ۲، باب اقتصاد در عبادت؛ تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۸۲، ج ۱۱، ص ۲۸۸، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۳. به عنوان نمونه ر. ک: مبحث برائت در کتب اصولی، از قبیل نهیة الافکار آقا ضیاء الدین عراقی، قسمت دوم از جزء ۳، ص ۲۰۱ به بعد، کفایة الأصول آخوند خراسانی، مبحث برائت.

۴. به عنوان نمونه ر. ک: مبحث قاعدة لاحرج، قاعدة فراغ، قاعدة طهارت، قاعدة تجاوز در کتب قواعد فقهی.

۵. کتاب السرائر الخاوی لتحریر الفتاوی، ابن ادریس حلی، ج ۱، ص ۱۷۱، چاپ مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

۶. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۶۸، محقق اردبیلی، چاپ مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

به علت دلایلی که گذشت و حرجی که از راه دستور صبر تا تنگی وقت به مقدار انجام غسل برای روزه روز بعد و منافات چنین دستوری با مقتضای شریعت آسان سخن درباره غسل و غیر آن نیز همان حمل بر استحباب است.

اسلام دین سماحت و سهولت است. در قرآن کریم در موارد فراوان و با تعبیر گوناگون به این مطلب تصریح شده^۱ و در کلام پیامبر اکرم و ائمه معصومین مورد تأکید قرار گرفته است.^۲ فقیهان بزرگ و محققان سترگ در مباحث کلامی و استنباطات فقهی خود همواره این اصل را در نظر داشته‌اند و در جای جای کلامشان یادآور شده‌اند. در مباحث اصولی^۳ و قواعد فقهی^۴ جنبه‌هایی از آن را می‌توان سراغ گرفت و در مبانی استنباطی بسیاری از فقیهان حضور مداوم آن را مشاهده کرد. مرحوم محقق اردبیلی از فقیهانی است که این قاعده مهم دینی را در بسیاری از مستنبطات خود به کار می‌گیرد و به عنوان مبنای فقهی خود همواره بدان استناد می‌جوید. بازنمایی حضور مداوم این قاعده فقهی در کتاب پراچ مجمع الفائدة والبرهان نیازمند بررسی تک تک موارد کاربرد آن از سوی محقق اردبیلی در ابواب و مسائل فقهی است که در ذیل بر پایه مجلدات این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد:

نخستین موردی که محقق از این قاعده بهره گرفته در باب غسل است. از میان اغسال واجبه، غسل جنابت غسلی است که بدون در نظر گرفتن انجام واجب مشروطه به طهارت، مستحب می‌باشد و با وجوب عمل مشروط بر طهارت واجب می‌گردد. بنابراین در حق شخصی که روز بعد روزه واجب می‌گیرد^۵ زمانی غسل را می‌تواند به نیت وجوب انجام دهد که تا وقت طلوع فجر بیش از زمان انجام یک غسل باقی نمانده باشد. در این مورد

مورد دیگر از به کارگیری قانون سهولت شریعت در باب وجوب غسل برای جنب روزه دار است. وی ضمن رد دلایل وجوب غسل بر چنین فردی، حمل آن بر استحباب را مقتضی اصل و به دور از روح شریعت سهل نمی داند و می فرماید:

«فالحمل علی الاستحباب كما هو مقتضى الأصل والشريعة السهلة غیر بعيد حتی يظهر دلیل الوجوب».^۷

یکی از موارد دیگر غسل جمعه است. درباره غسل جمعه روایات گوناگون هست: بعضی دلالت بر وجوب و پاره ای دلالت بر استحباب^۸ می کند. مرحوم محقق اردبیلی عدم وجوب غسل روز جمعه را علاوه بر آنکه مناسب با جمع روایات و شهرت می داند، آن را مقتضی روح شریعت سهل می شمارد؛ زیرا وجوب غسل جمعه نوعی تکلف برای عموم مردم ایجاد می کند. وی می نویسد: «... دلیل الاستحباب، الشهرة والأصل والشريعة السهلة».^۹ بنابراین غسل جمعه واجب نیست و مستحب می باشد.

درباره مسح بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که آیا حتماً باید مسح بدون هر گونه جریان یافتن آب باشد، به گونه ای که مسح با همراهی کمترین جریان آب موجب بطلان وضو می گردد، یا آنکه جریان بسیار محدود آن مانعی ندارد.^{۱۰} مرحوم محقق حکم به وجوب مسحی با این شرایط را موجب مشقت و سختی می داند و آن را مخالف روح ساده گرایی شرع می شمارد و می نویسد: «ایجاب ذلك خلاف الأصل وأنه الحرج والضيق وهو مناف للشرعية السهلة».^{۱۱}

یکی از موارد بسیار مشکل و طاقت فرسا موضوع تمیز کردن زیر ناخنها در موقع وضو گرفتن است. این امر بخصوص درباره افرادی که به مشاغل سخت و آلوده، همچون بنایی، تعمیرکاری و سایل نقلیه، کشاورزی و امثال آن اشتغال دارند، نمود بیشتری دارد. در چنین مواردی مشروط کردن صحت وضو به تمیز کردن زیر ناخن موجب دشواری بسیار می گردد. مرحوم محقق اردبیلی وجوب تمیز کردن زیر ناخن برای انجام وضو را مخالف با روح سماحت و سهولت شرع می داند و می نویسد: «وكذا دعوى أنه لا بد من اخراج الوسخ تحت الأظفار غیر واضح... وعدم ذكر مثله في الأخبار مطلقاً مع شفقتهم عليهم السلام بالناس مع عدم خلّو الناس عنه خصوصاً العوام والذی له شغل والشريعة السهلة تناسب العدم».^{۱۲}

در پذیرش و عدم پذیرش نجاست از سوی آب جاری و آب چاه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.^{۱۳} بسیاری از روایات دلالت بر نجس نشدن آب به طور مطلق دارد؛ بجز آب راکد کمتر از کر که دلیل خاص دارد. بعضی از فقیهان عموم روایات دال بر

نجس نشدن آب را با مفهوم روایت «إذا كان الماء قدر کر لم ینجسه شيء»^{۱۴} در مورد آب چاه و جاری تخصیص می زنند، ولی محقق اردبیلی تخصیص عام به مفهوم را در صورتی که مفهوم از منطوق قویتر باشد درست می داند و در این مورد بر این باور است که علاوه بر آنکه منطوق از مفهوم قویتر است، نجس نشدن آب چاه و آب جاری موافق روح سهولت و سماحت شرع است. وی می نویسد:

«فالظاهر أنّ المنطوق هنا أقوى مع کثرة ویؤید بالأصل واشتراط العلم فی النجاسة ونحوه ونفی الحرج فی الجملة ومناسبة السهلة السمحة».^{۱۵}

فقها در شبهات محصوره که هیچکدام از طرفین رجحان ندارد، حکم به اجتناب از هر دو طرف شبهه می کنند. بنابراین در صورتی که ظرف آب نجسی با غیرنجسی مشتبه باشد و بر تقدّم هیچکدام رجحانی وجود نداشته باشد، باید از هر دو پرهیز کرد؛^{۱۶} ولی مرحوم محقق اردبیلی جواز استفاده از هر کدام را که انتخاب کند موافق قوانین و مقتضی روح سهولت شرع

۷. همان، ج ۱، ص ۷۱.

۸. تا زمانی که دلیلی بر وجوب غسل نیست، بر اساس مقتضای اصل براهت و شریعت آسان حکم به استحباب غسل بعید به نظر نمی رسد.

۹. وسائل الشیعه، ج ۲، کتاب الطهارة، باب ۶-۷ از ابواب اغسال سنونه.

۱۰. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۷۴.

۱۱. دلیل استحباب شهرت، اصل و مقتضای شریعت سهل است.

۱۲. ر.ک: جوامع الفقیه، کتاب الأنتصار، سید مرتضی علم الهدی، کتاب الطهارة، ص ۱۸۳؛ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۱۳. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۱۰۵.

۱۴. واجب کردن مسح بدون جریان آب، خلاف اصل براهت و موجب حرج و سختی است و با شریعت سهل منافی می باشد.

۱۵. همان، ج ۱، ص ۱۸۸.

۱۶. وجوب بیرون آوردن آلودگیهای زیر ناخنها در وقت وضو چندان روشن نیست... با توجه به علاقه ائمه (ع) به هدایت مردم از سویی، و مبتلا بودن مردم و بویژه توده و صاحبان مشاغل به این امر از سوی دیگر، یادآوری نشدن آن در روایات و مقتضای شریعت آسان، عدم وجوب بیرون آوردن آلودگیهای مزبور در وقت وضو است.

۱۷. ر.ک: السرائر، ج ۱، ص ۶۲ به بعد.

۱۸. وسائل الشیعه، ج ۱، کتاب الطهارة، باب ۹ از ابواب ماء مطلق، ص ۲-۶.

۱۹. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲۰. منطوق در اینجا افزون بر کثرت آن، قویتر از مفهوم است. بنابراین آب چاه و جاری نجس نمی شود مؤید این فتوا اصل طهارت، قانون شرط علم به نجاست در مورد حکم به نجاست هر چیز و امثال آن، و نیز قاعده نفی حرج و مناسب آن با سهولت و سماحت شرع است.

۲۱. ر.ک: الخلاف، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۵۰، مسأله ۱۵۳، از مسایلی کتاب الطهارة، نشر اسماعیلیان، مستمسک العروة الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۱، ص ۲۴۶، مسأله ۱ از فصل ماء مشکوک.

ادلة النجاسة القليل بتخصيصها بغير حال التطهير للمجمع».^{۲۵}
در جای دیگر با توجه به شرایط زندگی در صدر اسلام،
بخصوص در بین بیابان نشینان، شتریانان و گوسفند داران،
لازمة سهولت دین را پاکی اشیا با آب قلیل، حتی بدون گرفتن
غسالة آن، می داند و می نویسد: «مع انه على تقدير عدم وجوب
العصر يلزم طهارة كل ما يصل اليه الماء القليل مثل القرطاس
والطين والحجر ذى المسام والفواكه المكسورة، وهذا احد ادلته
لأنه يلزم الحرج والضرر المنفى عقلاً و شرعاً و مناف للشريعة
السمحة ويلزم تضييق المال، لأن فى اكثر الأوقات لا يوجد

۱۷. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۲۸۲. بنابر اعتبار قوانین اصول و
شرط علم به نجاست در حکم به نجاست اشیا، در صورت مساوی
بودن ظاهراً جواز بهره گیری از هر کدام که بخواهد، و از طرف راجح،
در صورت رجحان یکی از دو طرف است؛ چنانکه درباره لباسی که دو
نفر از آن بهره می گیرند و در آن منی یافته شده باشد، گفته می شود بر
هیچکدام از آن دو غسل واجب نیست، در حالی که دلیل مزبور دقیقاً در
آنجا نیز جریان پیدا می کند. و همین فتوا موافق قوانین و شریعت آسان
است؛ با این حال روی گرداندن از سخن اصحاب، بدون هیچ گونه
همراه در فتوا، احتیاج به جرأت فراوان دارد.

۱۸. همان، ج ۱، ص ۲۸۸.

وقتی مقداری از آب که به طور عادی قابل اخراج است از آن خارج
ساخت، محل شستشو شده با هر آنچه از بقایای رطوبت در آن است پاک
و یا مورد بخشش است. این حکم به علت ضرورت، نفی حرج و
سهولت در دین است.

۱۹. همان، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲۰. المبسوط فی فقه الأمامیة، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۶، نشر المكتبة
المرتضویة، السرائر، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲۱. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۳۰۰.
اصل طهارت، شهرت، نفی حرج و شریعت آسان تأیید کننده حکم به
پاکی است.

۲۲. همان، ج ۱، ص ۳۰۱.

در بول حکم به طهارت مشکل است؛ چون اصل طهارت به وسیله
اخبار معتبر از بین می رود، حرج هم چندان روشن نیست. بنابراین،
حکم به نجاست مخالف سهولت شرعی نیست و با این وضع شهرت
هم فایده ای ندارد.

۲۳. همان، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲۴. اللمعة الدمشقیة، چاپ کلاتر، ج ۱، ص ۶۱.

۲۵. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۳۳۵.

برای وجوب گرفتن آب لباس جز حکم به نجاست آب موجود در لباس
و انحصار خارج کردن آب در فشردن لباس، دلیلی وجود ندارد؛ ولی با
توجه به محدودرات فراوان، بویژه حکم به طهارت بدن، ظروف و غیر
آن پس از شستن با آب قلیل بدون شرط خشک کردن آنها، فتوا به وجوب
گرفتن آب لباس مشکل است، و اصل برائت، قاعده حرج و شرع سمح
و سهل مؤید این نظر است. بنابراین، برای جمع بین دلایل، ادله
نجاست آب قلیل را ممکن است بر مورد غیر حال تطهیر مختص بدانیم.

می داند. با این حال مخالفت با اصحاب را نیازمند جرأت
می شمارد و می نویسد:

«والظاهر بناء على اعتبار قوانين الأصول و اعتبار العلم
بالنجاسة جواز استعمال أيهما اراد على تقدير التساوى و الرجح
مع الرجحان كما يقال مثله فى واجدى المنى فى الثوب المشترك
مع عدم وجوب الغسل على احدهما مع جريان الدليل بعينه و هذا
هو الموافق للقوانين و الشريعة السهلة إلا أن العدول عن قول
الاصحاب مع عدم الشريك يحتاج الى جرأة تامة».^{۱۷}
وقتی محلی نجس با آب قلیل شسته شود، آبی که از آن خارج
شود نجس است، ولی محل پاک می گردد؛ با آنکه مقداری از
همان آب و رطوبت در محل می ماند و باید علی القاعده نجس
باشد، لکن به سبب روح سماحت شرع حکم به طهارت محل
می شود. محقق اردبیلی می نویسد:

«وإذا اخرج منها ما يمكن الأخراج عادة بقى المحل مع مافيه
ظاهراً أو عضواً للضرورة و الحرج و السهلة».^{۱۸} وی شبیه همین
سخن را در باب استنجا مطرح می کند.^{۱۹}

درباره بول دراز گوش اختلاف است که آیا پاک است و یا
نجس.^{۲۰} محقق اردبیلی ضمن اشاره به روایات، پاک دانستن آن
را موافق سماحت دینی می شمارد و می نویسد: «الأصل
و الشهرة و نفى الحرج و الشريعة السهلة مؤيدات».^{۲۱}

با این حال در این مورد چندان با فشاری نمی کند و حرجی
بودن حکم به نجاست بول دراز گوش را روشن نمی داند و
می نویسد: «وفى البول اشكال لأن الأصل مندفع بالأخبار
المعتبرة و الحرج غير ظاهر فلا يخالف السهلة و الشهرة لا تنفع
معها...».^{۲۲} ولی سرگین دراز گوش و دیگر حیوانات مشابه آن
را باز هم بر پایه سهولت شرع پاک می داند.^{۲۳}

فقیهان در وجوب گرفتن آب لباسهایی که با آب قلیل شسته
شده است اختلاف نظر دارند و بسیاری بر وجوب آن فتوا
می دهند.^{۲۴} محقق اردبیلی دلایل وجوب را قوی نمی داند
و واجب نبودن را موافق روح سماحت شرع می شمارد و
می نویسد: «وبالجملة و جوب العصر مانجد له دليلاً إلا الأحكم
بنجاسة الماء الموجود فيه مع امکان اخراجه و لا يمكن إلا بالعصر
ولكن لا يتم لمنع عدم امکان اخراجه إلا بالعصر و القول بها أيضاً
مشكل لما فهم من المحذورات سيما الحكم بطهارة البدن بعد
الغسل بالماء القليل و عدم اشتراط التيبس و كذا الظروف و غيرها
و الأصل و دليل الحرج و السمحة السهلة مؤيد عظيم فيمكن تأويل

القیام موجب لعدم العود الى ما قبله ... ویؤیده انّ هناك تعارض اصل عدم الفعل والظاهر الذی يقتضی الفعل للمعادة مع وجود التخفيف المناسب للشريعة السهلة وانه قدینجر الى کثرته ...»^{۲۶}

۲۶. الذکری، مرحوم شهید، ص ۱۴، چاپ بصیرتی، بحث دوم از مباحث حکم نجاسات از کتاب طهارت.

۲۷. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۳۳۸.

بنابر واجب نبودن گرفتن آب اشیای شسته شده، هر آنچه آب قلیل به آن برسد، از قبیل کاغذ، گل، سنگ سست، میوه های پاره شده، پاک می شود و پاک بودن اینها یکی از ادله واجب نبودن گرفتن آب اشیای شسته شده است. چون حکم بوجوب گرفتن آب غسله در این اشیای موجب حرج و ضرری می گردد که عقلاً و شرعاً منفی است، با شریعت با گذشت منافات دارد و باعث از بین رفتن اموال می گردد. زیرا در بسیاری وقتها آب جاری و یا فراوان یافت نمی شود، بویژه در حجاز در صدر اسلام و مخصوصاً در بیابانها در بین شترداران، گوسفندداران، و پوستهایی که بسیار آب به خود می گیرند و گاه بیشتر از میوه های پاره شده و غیر آن از چیزهایی که حکم به عدم طهارت آنها با آب کم شده است. به علت فتوایی که در سوزاندن گفته اند حتی با وجوب عصر هم بعید نیست پاک نگردد، به طور خلاصه، شریعت آسان و با گذشت در کنار دلایل پاک کنندگی آب دلالت بر پاکی پذیرد هر چیزی با آب می کند، جز مواردی که به اجماع و یا نص پاکی پذیرد آن با آب مشخص شده است.

۲۸. الذکری، ص ۱۵، مسأله ۶ از مسائل حکم نجاسات از کتاب طهارت.

۲۹. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۳۳۵، کلام منتهی نقل شده است.

۳۰. همان، ج ۱، ص ۳۵۶.

با توجه به اجماعی که از منتهی به دست می آید، ممکن است فتوای پاک دود داد؛ چون علامه می گوید: دود اعیان نجسه به علت خروج از عنوان نجس العین در نظر ما پاک است. گرچه با توجه به فتوای وی درباره عدم طهارت سگ و خنزیر از راه انقلاب، در دلیل وی در این مورد جای تأمل است. قاعده حرج و سختی نیز مؤید پاکی است؛ چون پرهیز از آن بویژه نسبت به نانوا، آشپز و حمامی سخت است و مکلف ساختن آنان به نظهر تکلیفی شاق است که منافات با مقتضای شریعت آسان و با گذشت دارد.

۳۱. وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۱۴ از ابواب سجود، حدیث ۱.

پاک شدن قسمتی از زمین با آب قلیل بعید به نظر نمی رسد ... به سبب عموم پاک کنندگی آب و حصول حرج و سختی در شرط آب کثیر برای تطهیر زمین، آب کثیر شرط نیست. زیرا گاه زمین بویژه مسجد و ضریحهای مقدس نجس می شود، و باران به آن نمی رسد و آب کثیر پیدا نمی شود و این شرایط بسیار سخت است ... عدم منع از پاک کردن با آب قلیل، در شرع آسان و با گذشت تأیید حکم است.

۳۲. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۳۶۱.

روایت اسماعیل اشاره دارد به اینکه قیام از رکوع باعث رجوع نکردن به قبل است ... این امر با توجه به اینکه در اینجا تعارض بین اصل انجام ندادن فعل و ظاهری که مقتضای آن انجام یافتن کار بر حسب عادت است، می باشد و با وجود تخفیفی که مناسب شریعت آسان است، تأیید می گردد. افزون بر اینکه حکم به رجوع به قبل گاه موجب فراوانی و وسواس می گردد.

الجاری والكثیر سیما فی الحجاز فی اوائل الإسلام و فی البراری عند اهل الجبل والغنم والجلود التي تقبل الماء کثیراً بل قد تقبل اکثر من بعض الفواکه المكسورة و غیرها ممّا حکم بعدم تطهیرها بالقلیل، بل لا یبعد ذلك مع الوجوب ایضاً لما قالوا^{۲۶} فی الثخین لما مرّ وبالجملة الشریعة السهلة السمحة تقتضی طهارة کل شیء بالماء مطلقاً مع ادلة مطهریة الماء الأما یقتن عدم تطهیره به (مع ندرة تنجسه مثل الماء القلیل) بنصّ أو اجماع ونحوه»^{۲۷}

از موارد مورد اختلاف در طهارت و نجاست آن دود حاصل از سوختن اشیای نجس است. پاره ای از فقیهان و بویژه از میان اهل سنت، فتوا بر نجاست آن داده اند و بعضی دیگر حکم به پاکي آن کرده اند.^{۲۸} محقق اردبیلی نجس دانستن آن را موجب مشقت، بویژه برای افرادی که سروکار بیشتری با دود دارند، همچون حمامیان، آشپزان و نانوائیان، می داند و مخالف روح سماحت شرع می شمارد و می نویسد: «یمكن القول بطهارة الدخان حیث يفهم الأجماع من المنتهی لأنه قال دخان اعیان النجسة طاهر عندنا لخروجها عن المسمى خلافاً لأحمد الخ. و فی الدلیل تأمل یعلم ممّا سبق فی کلامه فی الکلب والخنزیر»^{۲۹}، و الحرج والضیق مؤید آن الاحتراز عنه خصوصاً بالنسبة الى الخباز والطباخ والحمامی متعسر، و تکلیف التطهیر تکلیف شاق تنافیة الشریعة السهلة السمحة»^{۳۰}

از موارد اختلافی بین فقیهان پاکي پذیری زمین با آب قلیل است. عده ای بر پاکي پذیری آن باور دارند و عده ای دیگر آن را تنها از طریق آب جاری و باران و نظایر آن ممکن می دانند. محقق اردبیلی پاکي پذیری آن با آب قلیل را بعید نمی داند؛ زیرا قانون پاک کنندگی آب و لزوم پرهیز از تکلیفهای حرج زامقتضی پاک شدن است. وی می نویسد: لا یبعد ان یطهر بعض الأرض بالماء القلیل ... ولا یكون الکثیر شرطاً لعموم ان الماء مطهر والحرج والضیق اذ قد تنجس للأرض سیما اذا کانت مسجداً أو الضرائح المقدسة ولا یصل إليها المطر ولا یوجد الکر وهو حرج عظیم ... ویؤیده عدم وقوع المنع فی الشریعة السهلة السمحة»^{۳۱}

فقیهان درباره شخصی که در انجام دادن یکی از اعمال غیر رکنی نماز پس از گذشتن از محل خاص آن عمل شک کند، با استدلال به روایات متعدد حکم به عدم لزوم انجام دوباره آن کرده اند. محقق اردبیلی به این دلیل اقتضای روح شریعت سمح را نیز افزوده است و می فرماید: روایة اسماعیل تشعر علی انّ

مناسب شریعت سهل می‌داند. زیرا در این صورت ادای زکات راحت‌تر است و مشقتی ندارد. وی می‌نویسد: وهو [قول المصنف] مشعر به عدم الخلاف عندنا والذي يدل عليه اعتبار نصاب التقدين والشریعة السهلة.^{۴۱}

و جوب خمس بر مکاسب از احکام مختص به شیعه است^{۴۲} و در فقه اهل سنت خمس تنها بر غنائم جنگی و معادن تعلق می‌گیرد. در بین فقیهان شیعه افرادی یافت می‌شوند که گاه در جوب خمس در مکاسب تردید می‌کنند. معتقدان بر جوب خمس، افزون بر روایات و اجماع، بر عموم آیه خمس استدلال می‌کنند و عموم «ماغنتم» را شامل غنائم جنگی و غیره می‌دانند. محقق اردبیلی دلایل و جوب خمس را صریح نمی‌داند و ضمن ردّ عموم آیه خمس، با این استدلال که در قرآن در بسیاری از موارد، از جمله در آیه مباهله تعبیر عام استعمال می‌شود لکن از آن خاص

۳۳. جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۲۷۶ به بعد.

۳۴. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۳، ص ۲۴۹.

همان گونه که گذشت هرگاه گروهی جمع می‌شدند بدون تفتیش و امثال آن، به جماعت نماز می‌گذاشتند، به نظر ما این مسأله چندان مشکل نیست و شریعت آسان بر آن دلالت دارد و طبق آنچه گذشت بسیاری از کارها و ثوابها بر عدالت متوقف است. روا نیست عدالت بر معنایی حمل شود که مصداق پیدا نکند و یا مصداق آن نادر باشد و موجب از دست رفتن سعادت نماز جماعت از این طایفه رستگار گردد.

۳۵. وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۶ از ابواب صلوة مسافر.

۳۶. شرائع الإسلام، محقق حلی، ج ۱، ص ۱۳۴ چاپ منشورات الأعلمی، تهران.

۳۷. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۳، ص ۴۰۳.

ظاهراً مسأله تقریبی است و به همین خاطر بر دو امر غالباً متفاوت بار شده است؛ دو امری که نسبت به شتونده، نسبت به روستا و شهر، نسبت به اذان و مؤذن متفاوت می‌گردد و شریعت با گذشت و آسان، دلالت بر عدم این گونه دقتها می‌کند.

۳۸. وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۱۷ از ابواب صلوة المسافر، ج ۴.

۳۹. همان، حدیث ۱.

۴۰. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۳، ص ۴۳۰.

بنابر صحیح زراره و ابو مسلم اعاده نکردن بر جاهل به حکم، به طور مطلق روشن شد و فتوای ابو صلاح و ابن جنید بر اعاده در وقت بر پایه روایت عیص چندان واضح نیست. حکم به اعاده نکردن را روایت مردم در آنچه نمی‌دانند در وسعت هستند، تأیید می‌کند. افزون بر آنکه به اعتقاد جاهل به حکم، آنچه انجام داده بر وی واجب بود و وی بر انجام آن مأمور و بنابراین معذور است، بگذریم که این امر مقتضای شریعت آسان است.

۴۱. همان، ج ۴، ص ۱۳۸.

سخن مصنف بیانگر خلافی نبودن حکم به تعلق زکوة بر قیمت است، اعتبار نصاب تقدین در تجارت و مقتضای شریعت آسان هم بر آن دلالت دارد.

۴۲. جوامع الفقهیه، ص ۱۵۵، انتصار؛ کتاب الخلاف ج ۱، ص ۳۱۹، مسأله ۱۳۸ از کتاب الزکوة.

عدالت در امام جماعت شرط است و فقیهان احراز آن را شرط می‌دانند.^{۳۳} بدیهی است کنجکاوی فراوان برای احراز عدالت سخت و منافی با روح اجتماع است و گاه موجب مشکلاتی می‌شود. بنابراین بعضی فقیهان تفحص و تفتیش فراوان را لازم نمی‌دانند. محقق اردبیلی افزون بر سیره مسلمانان به عدم تفتیش، تفتیش را منافی با روح شریعت سمح می‌داند و می‌نویسد: «... وان کلاً یجدون جماعة كانوا یصلون جماعة من غیر تفتیش و غیر ذلک کما مرّ فانه علی ما یظهر لی لیس الأمر صعباً والشریعة السهلة دالة علیه مع توقف الأمور الكثيرة علی العدالة والثواب العظیم وقد مرّ فلانیغی حملها بحیث لا یوجد او یندر او فوت هذه السعادة عن هذه الطائفة الناجية».^{۳۴}

تشخیص حد ترخص در انجام نماز و روزه نقش فراوان دارد و تشخیص آن گاه با مشکل روبرو می‌شود. زیرا در روایات به چندین علامت اشاره شده است^{۳۵} و در فتوای فقیهان نیز به همان علامات اشاره رفته است.^{۳۶} محقق اردبیلی وجود علائم مختلف را دلیل بر تقریبی بودن حد ترخص می‌داند و دقت را منافی با سماحت دین می‌شمارد و می‌نویسد: «الظاهر ان الأمر تقریبی ولهذا ابتنی بأمرین متفاوتین غالباً و یقبل التفاوت بالنسبة الی السماع والقری والمصر ومحل الأذان والمؤذن والشریعة السمحة السهلة تدل علی عدم الدقة».^{۳۷}

گاه اتفاق می‌افتد که فرد ناآگاه به حکم، نماز قصر را تمام می‌خواند. بعضی فقیهان با توجه به صحیح زراره و ابو مسلم در باب ۱۷ از بابهای صلوة المسافر،^{۳۸} اعاده را لازم نمی‌شمارد و بعضی دیگر به مقتضای روایت عیص در همین باب^{۳۹} اعاده آن را در صورت وجود وقت لازم می‌دانند. محقق اردبیلی دلالت روایت عیص را بر مدعای معتقدان به اعاده نماز کافی نمی‌داند و مقتضای سماحت دینی را عدم لزوم دوباره خواندن نماز میدانند و می‌نویسد:

«فقد ظهر عدم الاعادة علی الجاهل مطلقاً لصحیحتهما فقول ابی الصلاح وابن جنید بالاعادة علیه ایضاً نظراً الی روایة عیص فی الوقت غیر واضح ویؤیده (الناس فی سعة مما لا یعلمون) وکون ما فعله واجباً علیه فی نظره و مأموراً به فیکون معذوراً وللشریعة السمحة».^{۴۰}

بنابر اینکه در تجارت هم زکات وجود داشته باشد، چنانکه پاره‌ای از فقیهان معتقدند، در تعلق آن به اشیای مورد تجارت و یا بر قیمت آن اختلاف است. محقق اردبیلی تعلق آن بر قیمت را

محرم شوند. عده ای از فقها بر این باور هستند که حکم به رجوع به میقات و یا تا آنجایی که ممکن است اختصاص به حائض دارد و در حق فراموشکار و ترسیده جاری نیست. محقق اردبیلی در این رأی نوعی مخالفت با سهولت دین می بیند و می فرماید: «ویمکن تخصیص الطامث بهذا وتخصیص تلك الروایات بهذه ولكنه بعيدة والشريعة السهلة مؤيدة ولأن الأنتهاء الى محل يعلم الخوف بعده ولا تجوز التعدی بنحو شیر مشکل جداً».^{۴۹}

در مورد ابطال روزه با برقراری روابط جنسی با محرم اصلی و یا خوردن غذای حرام در ماه مبارک رمضان مرحوم صدوق بر پایه روایت هروی^{۵۰} حکم به کفاره جمع کرده است و بعضی از فقها آن را بر حرام عارضی تعمیم داده اند.^{۵۱} محقق اردبیلی بر اساس مبنای خود مبنی بر عدم جعل احکام حرجی در شرع، چنین تعمیمی را مشکل می داند و می نویسد: «واشکل منه تعمیمه حتی خرج عمّا قاله ابن بابویه وعن دليله وهو كل جماع حرام او طعام حرام فقط فلا ينبغي ادخال الأستمناء والغبار والنخامة ولأن ایجاب امثال هذه الأمور الشاقة المخالفة للأصل وإرادة اليسر وعدم العسر والشريعة السهلة وعموم الأخبار

۴۳. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۴، ص ۳۱۶.

واجب کردن خمس، با آنکه خلاف اصل و خلاف عموم بعضی از آیات، همچون «نساءکم» و امثال آن و مخالف بعضی اخبار است و دلیل صحیح و صریحی هم بر آن وجود ندارد، موجب عسر و سختی نیز می گردد و در شریعت آسان غالباً عسر و سختی منافی است. اجماعی هم که ادعا شده است چندان معلوم نیست؛ زیرا ظاهراً بنا بر آنچه علامه در منتهی و مختلف نقل کرده، ابن جنید مخالف بود.

۴۴. مبسوط، ج ۱، ص ۳۲۵، اللعة الدمشقية، ج ۲، ص ۱۹۴.

۴۵. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۶، ص ۱۴۳.

چون اصل زیاد نشدن تکلیف است و به خاطر آنکه تکلیف به حج دوبار بدون اجرت تکلیف سخت، حرج دار و مشکل می باشد در اسلام منافی است و حتی محرم را به طور عمد هم انجام دهد چنان تکالیفی مناسب با شرح آسان نیست.

۴۶. همان، ج ۶، ص ۱۹۱.

جز اینکه شریعت آسان، نبودن ضیق و حرج و اراده یسر از سوی خداوند و اراده نشدن عسر، بیانگر صحت است؛ گرچه فعل حرامی انجام داده است و گناه کرده و باید توبه کند و خداوند تعالی از وی خواهد گذشت.

۴۷. وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۱۴ از ابواب میقات حدیث ۴.

۴۸. همان، حدیث ۷۱.

۴۹. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۶، ص ۲۶۲.

ممکن است این حکم مخصوص حائض باشد و آن روایتها به این روایت تخصیص بخورد، لکن این امر بعید است و شریعت آسان مؤید عدم تخصیص است و رفتن تا محلی که بعد از آن ترس وجود دارد و حتی به اندازه یک وجب از آن محل نگذشتن واقعاً مشکل است.

۵۰. وسائل الشیعه.

۵۱. اللعة الدمشقية، ج ۲، ص ۱۲۰.

اراده می شود، و جوب خمس را منافی با سهولت شرع می شمارد و می نویسد: و نجد في الأیجاب مع كونه خلاف الأصل وخلاف عموم بعض الأیات مثل «نساءکم» وغيرها وكذا الأخبار وعدم دليل صحيح صريح عسراً وضيقاً ومثلها منفي غالباً في الشريعة السهلة والأجماع المدعی غير معلوم فان الظاهر ان ابن جنید مخالف كما نقل عنه في المنتهی والمختلف».^{۴۳}

البته باید یادآور شد که جز تعداد انگشت شماری از فقیهان، بقیه در وجوب خمس هیچ تردیدی ندارند و آن را با دلایل فراوان واجب می دانند.

یکی از مسائل مورد ابتلای جامعه متدین، انجام حج نیایی است. در بسیاری از مواقع فردی که حج بر وی واجب شده است، از انجام آن ناتوان می گردد و نایبی برای انجام حج می گیرد. در صورتی که فرد نایب حج را باطل کند، باید در سال بعد حج صحیح انجام دهد. در اینکه نایب حج را با گرفتن اجرت دیگر و یا بدون گرفتن اجرت انجام دهد، بین فقها اختلاف نظر است.^{۴۴} محقق اردبیلی وجوب انجام حج بدون اخذ اجرت جدید را مناسب روح شریعت سهل نمی داند و بنا بر این باید منوب عنه اجرت جدید بپردازد. وی در این باره می نویسد:

«... ولأن الأصل عدم زيادة التكليف ولأن تكليفه بالحج مرتين من غير اجرة تكليف شاق وحرج وضيق، منتفیات ولا يناسب الشريعة السهلة وان فعل المحرم عمداً».^{۴۵}

زائر در حج باید در یکی از میقاتهای معین احرام ببندد و بدون احرام حق ندارد از میقات تجاوز کند و اگر بدون احرام از میقات گذشت، باید در صورت امکان برگردد و از میقات محرم شود و در صورتی که معذور باشد، حکم به عدم صحت حج و لزوم تکرار آن در سال بعد می شود. محقق اردبیلی با ارائه چندین دلیل به اثبات این حکم می پردازد، لکن در نهایت بدین گونه تردید می کند که: «الأ أن الشريعة السهلة وعدم الضيق والحرج وإرادة اليسر دون العسر مشعرة بالصحة وان فعل حراماً وعصى ويتوب ويعفو عنه تعالی».^{۴۶}

در باره حائض که بدون احرام از میقات گذشته باشد، صحیحه معاویه بن عمار^{۴۷} می گوید اگر وی مهلت دارد به میقات برگردد و از آنجا محرم شود، ورنه به هر مقدار که می تواند برگردد و محرم شود. در حالی که روایات دیگر، از قبیل صحیحه و حسنه حلبی،^{۴۸} درباره فراموش کننده و فرد ترسیده گویای آن است که چنین اشخاصی از مکانی که هستند

مرحوم شهید در دروس درباره تارك طواف از روی فراموشی، حکم به رجوع به مکّه و انجام طواف کرده است و در صورت عذر فتوا به نایب گرفتن داده است. مرحوم محقق ضمن بیان مراد شهید آن را به علت در برداشتن مشقت نمی پذیرد و روح سماحت شرع را نافی چنین فتوایی می داند و می نویسد: «وقال فی الدرّوس^{۶۰} ولو تركه ناسياً عاد له فان تعذر استناب فيه. والظاهر ان المراد المشقة الكثيرة ويحتمل ان يراد بالقدرة استطاعة الحج المعهود ولكن الأصل والشريعة السهلة وكون الناس معذوراً وماسياً في طواف النساء مع فتوى الأصحاب

۵۲. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۵، ص ۷۲.

مشکلتگر گسترش فتوا به کفاره جمع، از دلیل و گفته ابن بابویه در خصوص نزدیکی حرام یا غذای حرام بموارد دیگر است. بنابراین، وارد کردن استمناء، غبار و خلط، در حکم روا نیست. افزون بر آنکه واجب کردن مثل این امور سخت بعید است، اموری که مخالف اصل برائت، اراده یسر و پرهیز از عسر، شریعت آسان است، همچنین مخالف عموم اخبار صحیح فراوانی که دلالت بر کفاره واجب در موجب کفاره همچون نزدیکی، خوردن و نوشیدن، افطار کردن می کند می باشد، و نبودن هیچ گونه تفصیل با آنکه فقدان تفصیل دلیل بر عموم است، مؤید کفاره غیر جمع است.

۵۳. ر. ک. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۴۵.

۵۴. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۵، ص ۲۲۴.

ظاهراً یک مد طعام کافی است؛ مقتضای شریعت آسان، اصل، باور اکثر فقها و مفاد بسیاری از اخبار نیز همین است و غالباً با آن مقدار سیری حاصل می شود.

۵۵. جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۱۸-۴۱۹.

۵۶. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۷، ص ۵۲.

ظاهراً به خاطر اصل، نبودن دلیل و شریعت آسان و با گذشتن با تکرار نشدن فعل قربانی تکرار نمی گردد، و پوشیدن مداوم هم به معنای تکرار پوشیدن نیست. چنانکه در به طور مداوم در سایه قرار گرفتن، تکرار وجود ندارد؛ و این دو به طور اجمال در دلیل مشارکت دارند. از سوی دیگر مهمترین دلیل در کفاره سر پوشیدن اجماع است و در اینجا اجماع ظهوری ندارد. حتی در صورت تکرار فعل هم به همین دلایل، ممکن است تکرار قربانی لازم نباشد. و تکرر فعل تا معلوم نشود موجب تام است باعث تکرار کفاره نمی گردد، و موجب تام بودن آن چندان معلوم نیست. البته احتمال آن بعید نیست و شکی نیست که تکرار کفاره موافق با احتیاط است، اگر موجب ضرر بر مکلف نگردد.

۵۷. وسائل الشیعه، باب ۵۶ از ابواب طواف، صحیح علی بن یقظین.

۵۸. همان، باب ۳۲. از ابواب کفاره صید.

۵۹. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۷، ص ۶۲.

ممکن است روایت را حمل بر استحباب کرد. زیرا ثابت نبودن کفاره بر اساس اخبار صحیح بر جاهل و فراموشکار جز در کشتن صید، همچنین اصل برائت و آسان و با گذشتن بودن شریعت حمل آن بر استحباب را تأیید می کند.

۶۰. الدرّوس، شهید، ص ۱۱۶، قم، انتشارات صادقی.

الصحيحة الكثيرة الدالة على كفارة واحدة فيما يوجبها مثل الجماع والأكل والشرب والخطر وترك التفصيل في ذلك حيث ما فصل فيها مع ان ترك التفصيل دليل العموم بعيد^{۵۲}

فقها درباره پیرمرد و پیرزن عاجز و مرد گرفتار مرض تشنگی که امیدی به بهبودی ندارد، فتوا به سقوط تکلیف روزه کرده اند و در مقابل حکم به لزوم پرداخت یک مد طعام کرده اند. در اینکه مقدار و جوب یک مد طعام است و یا بیشتر، آرا مختلف است،^{۵۳} لکن محقق اردبیلی در این باره با استناد به روح سماحت شرع و جوب بیش از یک مد طعام را مورد تردید قرار می دهد و می نویسد:

«وان الظاهر هو اجزاء مد واحد كما هو مقتضى الشريعة السهلة والأصل ومذهب الأكثر ومفاد أكثر الأخبار وحصول الشيع به غالباً»^{۵۴}

از جمله کارهای منهی در حج تظلیل است. از این رو محرم نباید سرش را بپوشاند و در صورتی که سر خود را در حال احرام بپوشاند، باید گوسفندی قربانی کند. فقها درباره سر پوشاندن مدت دار بحثی دارند که آیا باید یک گوسفند قربانی کند و یا چندین گوسفند.^{۵۵} محقق اردبیلی با بهره گیری از مبنای خود در این مورد و نظایر آن بیش از یک قربانی را نمی پذیرند و می نویسد:

«واما التكرار فالظاهر عدمه مع عدم تكرّر الفعل مطلقاً للأصل وعدم الدليل والشريعة السهلة السمحة ولعدم التكرار في اللبس الدائم كما مر ولعدم التكرار في التظليل مع اشتراكها آية في الأدلة في الجملة ولأن العمدة في دليل كفارة التغطية هو الأجماع كما فهمت وليس بظاهر هنا ويمكن كونه كذلك مع تعدد الفعل ايضاً لما تقدم وتكرره لا يوجب تكررها حتى يعلم كونها موجبة تماماً مطلقاً وهو غير معلوم نعم لا يبعد ذلك لأحتمال ذلك ولا شك ان التكرار مطلقاً احوط ان لم يضر بحاله»^{۵۶}

درباره فرد جاهل بر حکم و یا فراموش کننده طواف روایتی وجود دارد مبنی بر لزوم پرداخت کفاره؛ ولی در برابر آن روایات صحیحی^{۵۸} وجود دارد که جاهل به حکم و فراموش کننده تنها در مورد صید محکوم به پرداخت کفاره هستند. محقق اردبیلی روایات صحیح را به ضمیمه اصل و قانون سماحت شرعی دلیل بر حمل روایت مزبور به استحباب می کند و می نویسد:

«ويمكن حملها على الاستحباب ويؤيده عدم شيء من الكفارة على الجاهل والناسي الأفي قتل الصيد في أخبار الصحيحة وكذا الأصل والشريعة السهلة السمحة»^{۵۹}



از نظر اسلام میته نجس است و اعضای بریده شده از حیوان زنده نیز حکم میته را دارد. در باره اجزای کوچک جدا شده از بدن، نظیر تکه‌هایی کوچک پوست و یا گوشت که از زخمها و کورکها جدا می‌شود، اختلاف نظر است که آیا این قبیل اجزا هم حکم میته دارند و یا در حکم میته نیستند.^{۶۹} محقق اردبیلی در ملحق ساختن این قبیل اجزای جدا شده به میته و لزوم پرهیز از آن نوعی حرج و سختی می‌بیند و شریعت سمح و سهل را با تشریح چنین قوانینی هماهنگ نمی‌داند و می‌نویسد:

۶۱. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۷، ص ۶۴. شهید در دوس می‌گوید: اگر از روی فراموشکاری طواف را ترك کرد باید برای انجام دوباره آن برگردد و اگر سخت بود نایب بگیرد. ظاهر آمرادش سختی بسیار است. و ممکن است مرادش استطاعتی که در حج مطرح است باشد؛ ولی اصل، شریعت آسان و اینکه فراموشکار معذور است و طبق فتاوی‌ اصحاب در طواف نسا، دلالت بر مکلف نشدن به چنین مشکلات بزرگ، از قبیل برگشتن به مکه از شهرهای دور، خرج کردن اموال، ترك کردن خانواده و کار و اشتغال، می‌کند. البته در صورت امکان نباید احتیاط ترك شود. و ظاهر سخن اصحاب هم مقتضی همین احتیاط است.

۶۲. كشف اللثام، فاضل هندی، ج ۱، ص ۳۳۳، چاپ سمت و اصفهانی.

۶۳. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۷، ص ۷۶.

اصل براءت، آسان بودن شریعت، ترك بیان عملی و قولی از سوی ائمه (ع) علی‌رغم اهتمام آنان به بیان احکام شرعی، سواره طواف کردن پیامبر (ص)، با آنکه وی بر اساس فرمایشش که فرمود از من عبادتان را یاد بگیرید، قصد آموزش داشت، مشخص نبودن این قبیل دقتها جز بر خواص، در حالی که توده مردم مکلف هستند نه فقط خواص، و دلایل دیگر، دلالت بر کفایت عموم محاذی می‌کند و این امر واضحی است؛ حتی ظاهر بعضی اخبار روبرو بودن با حجر الأسود است.

۶۴. وسائل الشیعه، ج ۹، باب ۵۸ از ابواب طواف، حدیث ۳، روایت: معاویه بن عمار.

۶۵. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۷، ص ۱۳۲.

روایت معاویه بن عمار دلالت بر جواز نایب گرفتن، حتی در صورت اختیار، می‌کند و شریعت آسان و نفی مشقت و حرج و دلایلی که در جواز نیابت در طواف زیارت بود و شهرت، نیز نیابت‌پذیری را تأیید می‌کند.

۶۶. اللمعة الدمشقیة، ج ۳، ص ۲۲۲؛ جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۲۲۱ به بعد.

۶۷. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۸، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

لازم نبودن صیغه خاص به خاطر شریعت آسان و با گذشت است و لازم دانستن آن موجب حرج و سختی، که عقل و نقل آن را نفی می‌کنند، می‌گردد. زیرا بسیاری توانایی اجرای صیغه معتبر را ندارد؛ و انجام آن برایشان سخت است.

۶۸. همان، ج ۹، ص ۲۱۹.

اجماع بر عدم تحقق محجوریت در مفلس، مگر بعد از حکم حاکم. همچنین شریعت آسان و با گذشت محجور نبودن پیش از حکم حاکم را درباره سفیه تأیید می‌کند. بگذریم از آنکه اگر سفاقت بدون حکم حاکم موجب محجوریت شود، معامله‌ها و ازدواجها مشکل می‌شود؛ چون حال بسیاری از مردم نامشخص بلکه معلوم سفاقت است.

۶۹. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۳۱۵.

یدل علی عدم التکلیف بمثل هذه المشقة العظيمة من الرجوع الى مكة من بلاد بعيدة و صرف الأموال و ترك الأهل و الاشتغال و الاحتیاط ان امکن لا یترك».^{۶۱}

در آغاز طواف بسیاری از فقیهان فتوا بر محاذی بودن دقیق طرف چپ طائف با حجر الأسود می‌دهند.^{۶۲} این گونه دقتها، بویژه در مواقع ازدحام، بسیار مشکل است. محقق اردبیلی به چندین دلیل، از جمله سماحت دینی، بر نفی چنین محاذی دقیق فتوا می‌دهد و می‌نویسد:

«والأصل و الشریعة السهولة و عدم البیان فی الأدلة لا بالقول و لا بالفعل مع اهتمامهم (ع) ببیان الأحكام الشریعة و فعله (ص) الطواف علی الناقة مع ارادة التعلیم بقوله صلوات الله علیه: خذوا عني مناسککم، و عدم فهم هذا المعنی الأ بعض الخواص مع عموم التکلیف و ما مر یدل علی العموم و هو واضح بل ظاهر الأخبار هو الاستقبال».^{۶۳}

یکی از اعمال حج طواف نسا است. درباره جواز نیابت طواف نسا از سوی فراموش کننده در غیر حال اضطرار، مرحوم محقق اردبیلی ضمن استدلال به روایت معاویه بن عمار^{۶۴} می‌نویسد: «فظاهرها یدل علی جواز النيابة له اختیاراً أيضاً ویؤیده الشریعة السهولة و عدم المشقة و الحرج و ما تقدم فی جواز النيابة فی طواف الزيارة و الشهرة».^{۶۵}

در بحث معاملات بعضی از فقها انعقاد معامله را مشروط به اجرای صیغه خاص بیع می‌دانند^{۶۶} و بعضی دیگر اجرای صیغه معین را شرط نمی‌دانند. محقق اردبیلی چهارده دلیل برای عدم نیاز به صیغه ویژه اقامه می‌کند که یکی از آنها روح سماحت شرع است. و می‌نویسد: «وللشریعة السهولة و اللزوم الحرج و الضیق المنفی عقلاً و نقلاً فان الأكثرین ما یقدرون علی الصیغة المعتربة یعنی یشق علیهم ذلك».^{۶۷}

شخص سفیه در اسلام احکام ویژه‌ای دارد و از جمله آنها محجور بودن از تصرف در اموالش است. این امر اتفاقاً است، لکن در نیازمندی آن به حکم حاکم و عدم نیازمندی بین فقها اختلاف نظر است. محقق اردبیلی آن را مشروط به حکم حاکم می‌داند؛ زیرا در غیر این صورت بسیاری از معاملات بین مردم با مشکل مواجه خواهد شد. وی می‌نویسد: «ویؤیده الأجماع علی عدم تحققه فی المفلس الا بعده ویؤیده أيضاً الشریعة السهولة و السمحة و أنه ان كان مجرد السفه یشكل المعاملات و الأ نکحه فان غالب الناس مجهول الحال او معلوم السفه».^{۶۸}

و قهراً هیچ اندیشور و محققى نمی تواند چنین بیندیشد .

۳- محقق اردبیلی مشکل آفرین نشدن استنباطات فقهی را مهم می شمارد . فقه و احکام فقهی برای سخت تر کردن زندگی نیست ؛ زیرا در تنگتر کردن دایره زندگی امکان تخلف و شکستن حرمت قانون بیشتر می شود و تا زمانی که می توان با آسان گرفتن از شکستن حرمت قانون جلوگیری کرد ، نیازی به تنگتر کردن دایره زندگی و شکستن حرمت قانون نیست .

مثلاً در صورتی که سفیه بودن را بدون حکم حاکم کافی در محجور بودن بدانیم ، به قول محقق بسیاری از معاملات و ازدواجها با مشکل روبرو می شود ؛ دست کم دودلی و تردید در بسیاری از معامله ها و ازدواجها به وجود خواهد آمد و چنین فضایی زندگی را سخت خواهد کرد و بطور طبیعی عده ای را به شکستن قانون محجوریت تشویق خواهد ساخت . همین سخن درباره عدالت امام جماعت نیز وجود دارد . براستی اگر دقتها و احتیاطهای فراوانی که در کتب فقهی مطرح می شود در نظر گرفته شود ، چقدر می توان برای عنوان «عادل» مصداق خارجی پیدا کرد؟ و آیا در این صورت ، مردم برای حفظ نمازشان از بطلان ، ترجیح نخواهند داد نمازشان را در خانه بخوانند و از ثواب جماعت به خاطر وحشت از بطلان نماز دست بشویند و در این صورت چه بر سر نماز جماعت خواهد آمد؟!

۴- محقق اردبیلی بسیار اهل دلیل و منطقی است ؛ تا آنجایی که دلیل اقتضا کند پیش می رود و زمانی که دلیل روشن و صریحی وجود نداشته باشد ، از فتوا دادن پرهیز می کند . درباره وجوب خمس - که کمتر فقهی تردید دارد - وی به خاطر فقدان دلیل روشن و صریح از فتوا به وجوب پرهیز می کند و روایات موجود را چون برای اثبات واجب کافی نمی داند ، حمل بر استحباب می کند .

در پایان باید یادآور شد که مرحوم محقق اردبیلی در عین نگرش تسامحی که دارد ، درباره توانمندان به انجام احتیاط ، توصیه به احتیاط می کند . و به تعبیر دیگر ضمن ساده ساختن فتاوا برای توده مردم ، از تأکید بر مراعات جوانب عمل و تحمل مشقت از سوی خواص سر بر نمی تابد .

۷۰ . مجمع الفائدة والبرهان ، ج ۱۱ ، ص ۲۷۷ .

نفی حرج و سختی در دین ، اراده آسانی و پرهیز از سختی ، شریعت آسان ، اصل طهارت ، عموماً کتاب و سنت و اجماع در کنار محصور و مشخص بودن محرمات و نجسها و عدم علم به داخل بودن این قبیل اجزا در آن نجسها به علت دلیلهای گذشته و وجود شبهه در اصل حکم ، مؤید نجس نبودن اجزای صغیر است . البته احتیاط مسأله دیگری است و انجام آن در صورت امکان خوب است و نباید ترك شود .

ونفى الحرج والضيق وارادة اليسر دون العسر والشریعة السهولة والأصل والعمومات كتاباً وسنةً واجماعاً مع حصر المحرمات والنجاسات وعدم العلم بدخولها فيها لما تقدم مع الشبهة فى اصله على ماتقدم مؤيد والأحتياط امر آخر وحسن ان امکان فلا یترك»^{۷۰}

آنچه ذکر شد مواردی از به کارگیری قاعده سهولت و سماحت شرع در استنباط احکام از سوی محقق اردبیلی است . از بررسی این موارد چند امر به دست می آید که در ذیل به آن اشاره می گردد :

۱- مرحوم محقق اردبیلی به عملی بودن احکام فقهی توجه خاص داشته است و امکان اجرای آن از سوی توده مردم ، و نه گروه خاص را ، در نظر می گرفت . زیرا اسلام دینی جهانی است و توان فکری و عملی مردم گوناگون است و دین همگانی نمی تواند خود را در محدوده متخصصان محصور کند . بنابراین باید به گونه ای احکام و شرایع خود را ارائه کند که توده مردم قادر به انجام آن باشند و در عمل به آن ، نیازمند واسطه نباشند . به همین علت است که در مورد لزوم صیغه خاص در معامله آن را در توان همه نمی بیند و چنین لزومی را منکر می گردد و یا درباره لزوم اخراج آلودگیهای زیر ناخن در مواقع وضو ، نظر به شرایط زندگی عده خاصی نمی کند که به علت تمیزی شغلشان بندرت گرفتار چنین مشکلی می گردند ، بلکه شرایط زندگی توده مردم کارگر و کشاورز را در نظر می گیرد که با دستهای زمخت و تماس همیشگی با گچ ، خاک ، روغن ، رنگ و دهها نوع مواد دیگر ، به طور عادی نمی توانند زیر ناخنهای خود را همواره تمیز نگه دارند .

۲- محقق اردبیلی در استنباط از آیات و روایات شرایط زندگی مردم صدر اسلام را بخوبی در نظر می گیرد و عرف و عادت آن روز مردم و امکانات زندگی آنان را می سنجد و آیات و روایات را با ملحوظ داشتن شرایط آن روز تفسیر می کند . درباره مطهر بودن آب قلیل شرایط اقلیمی عربستان آن روز و شیوه زندگی دامداری آنان را در نظر می آورد و با توجه به این شرایط که در آنجا آب جاری بسیار کم است و شترداران و گوسفند چرانها و عشایر ، که عموماً در حال حرکت بودند و برای رفع حاجت خود با ظروفی که در اختیار داشتند آب با خود حمل می کردند ، حکم به مطهر نبودن آب قلیل مساوی حکم به فراگیری نجاست و ناپاکی زندگی تمام عشایر ، شترداران ، گوسفند چرانها و دیگر مردمی که به دور از رودخانه ها و چاهها زندگی می کردند ، است